

مصاحبه‌شونده: فروهر فرزانه

مصاحبه‌کننده: لیلا کریمی خانقاه

تاریخ مصاحبه: ۸۴/۳/۲۴

دانشکده: مهندسی برق

سال ورود: ۱۳۶۵

=====

### آقای دکتر لطفاً یک بیوگرافی از خودتان بفرمایید.

بنده فروهر فرزانه استاد دانشکده‌ی مهندسی برق هستم. از حدود سال ۱۳۶۵ در اینجا تدریس کرده‌ام. مدتی نزدیک به ۳ سال رئیس دانشکده و حدود ۶ سال نیز معاون تحصیلات تکمیلی دانشکده بوده‌ام. هم‌چنین در سال ۱۳۶۸ مدتی سرپرست پژوهشکده‌ی الکترونیک شدم. در این دانشگاه حدود ۱۰-۱۲ عنوان درس داده‌ام. نزدیک به ۴۰ نفر دانشجوی کارشناسی ارشد برای تدوین رساله، ۳ نفر دانشجوی دکتری که فارغ‌التحصیل شده‌اند و صدها دانشجوی کارشناسی بلکه بیشتر داشته‌ام.

### سال تولد، محل تحصیل و تحصیلات دانشگاهی‌تان را می‌فرمایید؟

متولد تهران هستم و حدود ۴۸-۴۹ سال سن دارم. از دبیرستان البرز در زمان دکتر مجتهدی فارغ‌التحصیل شدم. لیسانس و فوق‌لیسانس را از دانشگاه شیراز گرفتم. از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۴ با بورس دولت فرانسه به آن کشور رفتم و فوق‌لیسانس را در زمینه‌ی مخابرات ماهواره‌ای و میکروویو و دکترایم را در زمینه‌ی مخابرات میکروویو و نوری از کشور فرانسه گرفتم. از سال ۱۳۶۴ به ایران آمدم و از آن سال تا حالا در ایران مشغول به کار هستم. از همان سال، چند سالی در دانشگاه صنعتی امیرکبیر به عنوان استادیار تدریس کردم و توأم با آن در این دانشگاه از سال ۱۳۶۵ تدریس کردم. الآن استاد پایه ۲۲ در دانشکده‌ی مهندسی برق هستم، یعنی یک چیزی در حدود بیش از ۲۰ سال سابقه‌ی تدریس و تحقیق دارم.

### وضعیت امکانات فیزیکی و اساتید در آن زمان چگونه بود؟

در دهه‌ی ۵۰ شمسی دانشگاه‌ها دانشجویان کمی داشتند. بهترین دانشگاه‌ها قبل از انقلاب، دانشگاه پهلوی شیراز و دانشگاه صنعتی شریف (آن موقع صنعتی آریامهر) بودند که بسیار غنی بودند و امکانات مالی، تجهیزاتی و اجرایی بسیار وسیعی داشتند با تعداد کم دانشجو، یعنی نسبت استاد به دانشجو نسبتاً بالا بود. بعد از انقلاب در فاصله دو سه سالی، دانشگاه‌های ممتاز تا حدی از کادر علمی خالی شدند. در سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲ ما چند موج مهاجرت داشتیم و هر چه دانشگاه ممتازتر بود، ریزش کادر بیشتری داشت و اکثراً این افراد استادان جوان و بسیار کارآمدی بودند که موقعیت شغلی در خارج از کشور برایشان فراهم بود؛ شاید دانشگاه‌های متوسط در این دوران کمتر ضرر کردند. پس از این دوران، دانشگاه‌ها عملاً بعد از برگزاری کنکور سال ۱۳۶۲ بازگشایی شدند (پس از انقلاب فرهنگی). من در سال ۱۳۶۴ یعنی دو سال بعد از بازگشایی دانشگاه‌ها به ایران بازگشتم. در آن زمان دانشگاه‌ها وضع بسیار نامطلوبی داشتند یعنی کادر هیأت علمی بسیار کم بود، امکانات تجدید نشده بود و فضای آموزشی هم به نسبت دانشجویان کم بود. این دانشگاه که الان ۴۵۰ عضو هیأت علمی دارد تصور می‌کنم در آن موقع یعنی در سال ۱۳۶۴، بیشتر از ۱۴۰ نفر کادر نداشت. آن موقع استاد برای درس لیسانس هم به حد کافی نبود و گاهی وقت‌ها یک استاد مجبور بود درسی را در چند دانشگاه تدریس کند. سال ۱۳۶۸ بعد از پایان جنگ، تعدادی از فارغ‌التحصیلان و متخصصین از خارج آمدند و وضعیت دانشگاه صنعتی شریف و هم‌چنین سایر دانشگاه‌ها خصوصاً در تهران از نظر تعداد کادر هیأت علمی بهبود یافت و تقریباً یک رشد پایدار از نظر کادر هیأت علمی در این ۱۶ سال وجود داشته است. از لحاظ فضای آموزشی، از سال ۱۳۶۸ به بعد اعتبار عمرانی دانشگاه‌ها بهتر شد و تصور می‌کنم فضای آموزشی این دانشگاه در این سال‌ها بیش از ۲ تا ۳ برابر شده است (برای عمران دانشگاه میلیاردها تومان خرج شده است). در مقایسه با زمان دانشجویی من شاید اعضای هیأت علمی و کارکنان، رفاه سابق را نداشته باشند اما یک چیز قطعاً بهبود یافته است؛ پس از انقلاب پژوهش و دوره‌های تحصیلات تکمیلی رشد چشم‌گیری پیدا کرده است، رشد چشم‌گیر که می‌گوییم از مرتبه ۱۰ تا ۱۰۰ برابر شده است، مثلاً

دانشجویان تحصیلات تکمیلی بسته به رشته و گرایش و به همین نسبت تولید علم، پژوهش، انتشارات ملی و بین‌المللی به نحو چشم‌گیری گسترش یافته است. بنابراین می‌توان گفت فعالیت علمی و تولید علمی دانشگاه‌ها خصوصاً در دهه‌ی اخیر نسبت به قبل از انقلاب فوق‌العاده افزایش یافته است، ضمناً تعداد دانشجو نیز بیشتر شده که اگر ما تولید دانشگاه را بر مبنای تعداد افرادی که آموزش داده می‌شوند قرار دهیم، می‌توان گفت تولید کادرهای دانش‌آموخته به طور قابل توجهی افزایش یافته است؛ این رشد در کارشناسی کم‌ولی در کارشناسی ارشد و دکتری چشم‌گیر است.

**به نظر شما دانشگاه چگونه می‌تواند رابطه‌اش را با فارغ‌التحصیلان خود حفظ نماید و از حضور آنها استفاده بهینه‌تری ببرد؟**

دانشگاه از فارغ‌التحصیلانی که ممتازند و در سطح دکتری تحصیل کرده‌اند می‌تواند مستقیماً به عنوان کادر علمی استفاده کند و از بقیه‌ی آنها هم می‌تواند در چارچوب انجمن فارغ‌التحصیلان بهره ببرد؛ از کمک‌های اجرایی، مالی و فکری‌شان می‌تواند سود ببرد. ضمناً تعدادی از این فارغ‌التحصیلان در حد مدیران کشورند که در وزارتخانه‌ها و کادر رهبری دولت قرار دارند؛ در بیشتر بخش‌ها فارغ‌التحصیلان شریف در صدر قرار دارند و می‌توانند در قالب سیاست‌گذاری و تخصیص بودجه‌های کلان به دانشگاه کمک کنند.

**چه عواملی از ابتدای تأسیس تا کنون باعث ماندگاری و پویایی علمی دانشگاه در عرصه‌ی جامعه گردیده است؟**

من چون خود زمانی شاگرد استاد محمدعلی مجتهدی بودم به نظرم کیفیت دانشگاه به هسته اولیه‌اش و به مؤسس آن که دکتر مجتهدی بود برمی‌گردد. شاه‌بیت کار ایشان مدیریت منضبط و حرفه‌ای در عرصه آموزش بود. به نظر من در تاریخ ۵۰ سال اخیر آموزش و آموزش عالی در ایران، فردی تأثیرگذارتر و خدمت‌گذارتر از دکتر مجتهدی برای منافع ملی ایران نداشته‌ایم. به هر حال ایشان هسته‌ی اولیه این دانشگاه را با آن مدیریت منضبط و حرفه‌ای خودش گذاشت و این انضباط حرفه‌ای

سنتی شد که در طول این چهل سال به نحوی ادامه یافت. نکته‌ی دوم بعد از تأسیس دانشگاه این که ایشان در انتخاب افراد شایسته بسیار سخت‌گیر بود و هسته اولیه دانشگاه با اعضای هیأت علمی شایسته و توانا بنا گذاشته شد. نکته‌ی سوم پذیرش دانشجویان ممتاز از ابتدا در این دانشگاه بود، علتش هم این است که دکتر مجتهدی رئیس دبیرستان البرز بود که در چهل سال پیش این دبیرستان بدون هیچ رقیبی بزرگ‌ترین و بهترین مدرسه کل ایران بوده و همیشه تمام رتبه‌های اول کنکور و افراد ممتاز داخل و خارج از ایران و حتی بسیاری از مدیران فعلی کشور از فارغ‌التحصیلان این مدرسه بوده‌اند و او بود که آن‌ها را به این دانشگاه آورد، حتی تعداد بسیاری از کادرهای اداری الآن دانشگاه کارکنان سابق البرز هستند. دکتر مجتهدی از همان ابتدا تمهیداتی فراهم کرده بود که فارغ‌التحصیلان را به جای رفتن به دانشکده فنی دانشگاه تهران به دانشگاه صنعتی شریف سوق دهد و این باعث شد که تراز علمی دانشجویان اینجا بالاتر از بقیه باشد. دبیرستان البرز تنها دبیرستانی در ایران است که سابقاً مؤسسه آموزش عالی بوده است؛ تا سال ۱۳۱۹ کالج آمریکایی و تحت مدیریت دکتر ساموئل جردن بوده که مدرک لیسانس می‌داده است؛ در سال ۱۳۱۹ این کالج ملی شد، از آمریکایی‌ها تحویل گرفته شد و به یک مدرسه ایرانی تبدیل شد. تصور می‌کنم از سال ۱۳۲۴ مجتهدی رئیس آنجا می‌شود و قریب ۳۵ سال آنجا را اداره می‌کند. کسی که کالج آمریکایی را تبدیل به مدرسه البرز کرد و کسی هم که این بیابانی را که در جاده قدیم فرودگاه و در کنار کوچه‌های خاکی بود تبدیل به دانشگاه صنعتی کرد دکتر مجتهدی بود، این است که باید یاد او را گرامی داشت. عامل بعدی وسعت منابع مالی در اختیار دانشگاه بود. در حال حاضر ما به جز این عامل، سه پارامتر دیگر داریم: دانشجویان ممتاز، کادر هیأت علمی قوی و فارغ‌التحصیلان توانا و سخاوتمند. مشکل کنونی ما تنگنای منابع مالی است. مقداری از نقشه‌های اولیه ساختمانی شریف را دکتر مجتهدی مجانی تمام می‌کند، تعدادی از مهندسين و فارغ‌التحصیلان سابق البرز نقشه اینجا را می‌کشند و حتی بعضاً پیمانکار از مهندسين فارغ‌التحصیل البرز انتخاب می‌کرده که نظارت مستقیم بر کارهای اجرایی داشته باشند؛ هم‌چنین ایشان بعضی ساختمان‌ها

از جمله ساختمان شبانه‌روزی البرز و خوابگاه آن را به دلیل پرستیژی که در جامعه داشته و خوشنامی در بین مردم و اهل علم و فرهنگ، با جمع کردن کمک‌های مالی ساخته است.

### **تأثیر دانشگاه در نظام مدیریتی، آموزشی و صنعتی کشور را بیان نمایید.**

دانشگاه صنعتی شریف به واسطه‌ی حسن شهرت، به عنوان مؤسسه‌ی شاخص علمی و پژوهشی شناخته شده، از هر جهت مورد اعتماد مدیران و صنعت‌گران بوده و هست. حتی در بعضی مواقع شریف به عنوان مرجع شناخته می‌شود، مرجعی اول برای جوانان مشتاق علم (طبق نتایج آزمون سراسری) و دوم برای مدیران. اگر در حیطه‌ی تخصصی مشکلی پیدا شود و یا به دوره‌ی بازآموزی و آموزشی نیاز داشته باشند و یا بخواهند پروژه‌ای را محول کنند، یکی از جاهایی که به آن مراجعه می‌کنند این دانشگاه است. اهل کسب و کار و صنعت هم به نوبه‌ی خود، اگر چه یک مقدار محدودتر ولی آن‌ها هم به این دانشگاه توجه دارند. در ضمن اینجا در حد مدیریت رده‌های عالی کشور هم افراد زیادی به جامعه معرفی کرده است.

### **از نظر شاخص‌های پژوهشی دانشگاه را چگونه می‌بینید؟**

به نظر من اینجا اگر شاخص را انتشارات بین‌المللی قرار دهیم، در ژورنال‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی وضع بسیار خوبی داریم، گویا از نظر سرانه نیز در میان مؤسسات آموزشی و تحقیقاتی در رتبه‌ی اول یا دوم کشور قرار داریم. البته شاخص‌های دیگری هم مطرح است مثل حجم قراردادهای منعقد شده یا عناوین کتاب‌های منتشر شده، قراردادهای صنعتی که منتهی به یک پروسه تولید، روش جدید تولید یا تولید چیز جدید شده‌اند ولی نقطه قوت اصلی این دانشگاه بیشتر در انتشارات بین‌المللی است، البته در بقیه‌ی زمینه‌ها این دانشگاه جای کار دارد و به نظر من با این تعداد استاد و دانشجو اینجا می‌تواند از نظر قراردادهای صنعتی و تولید درآمد به وسیله ارتباط با صنعت در وضع مطلوب‌تری باشد که این امر بستگی به مدیریت، گرایش استادان و دانشجویان دارد. فرهنگ غالب دانشگاه هم مطرح است که ما در

این فرهنگ چقدر بخواهیم مسایل کشور و مسایل ملی را حل کنیم یا چقدر رویکرد به پژوهش‌های بین‌المللی داشته باشیم، بین این‌ها باید تعامل و تعادل برقرار کنیم تا بهترین نتایج را بگیریم.

### **به نظر شما چطور می‌شود جلو مهاجرت نخبه‌ها و افراد شایسته را گرفت؟**

سؤال مشکل و بحث دامنه‌داری است، راه‌حلی در حد ملی می‌خواهد و فقط قابل حل در سطح دانشگاه نیست. به نظر من عامل مهاجرت به خارج از کشور را نه ما به تنهایی می‌توانیم حل کنیم و نه این که ما عامل آن هستیم، چون بعضی‌ها عامل فرار مغزها را دانشگاه‌های نخبه‌پرور می‌دانند در حالی که عامل فرار مغزها تا حد زیادی عوامل خارج از دانشگاه است و جنبه‌ی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و علمی نیز دارد. من فکر می‌کنم عوامل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مؤثرترند، چون از نظر جنبه‌ی علمی یک نفر می‌تواند در داخل کشور در یک محیط آرام بدون دغدغه‌های سیاسی و اقتصادی و با امید به آینده به پژوهش پردازد و تولید علمی در سطح بین‌المللی داشته باشد.

### **خاطرات خود از کادر اجرایی، اساتید، مدیریت و کارکنان دانشگاه را بفرمایید.**

بنده از مدیران دانشگاه از آقایان دکتر علی‌اکبر صالحی و دکتر عباس انواری که رئیس دانشگاه بودند خاطرات خیلی خوبی دارم. خصوصاً حسن سلوک و حسن خلق آقای دکتر صالحی در این دانشگاه خیلی زبانه بود. از مدیران هم دکتر سیدمحمد اعتمادی معاون آموزشی دانشگاه در زمان دکتر صالحی ایشان جزء مدیرانی بودند که شاید پس از یک دوران بی‌نظمی آموزشی در دانشگاه آمدند و انضباط آموزشی را تا حد زیادی برگرداندند و با اجرای مقررات و سختگیری‌های لازم به بهبود کیفیت آموزشی پرداختند، از خاطرات خوب من ایجاد انضباط آموزشی در زمان دکتر اعتمادی است.

از میان کارکنان آقای محمدتقی قدس در دانشکده‌ی برق شایسته ذکر است، ایشان تکنسین ماشین‌ابزار در دانشکده بودند، حدود ۳۰ سال هرگونه نمونه‌سازی یا پروتوتایپی از پروژه‌ای می‌خواستند ساخته بشود از داخل و خارج دانشگاه به ایشان مراجعه می‌کردند؛ جزء مؤمن‌ترین، منضبط‌ترین و بهترین کارکنان ما بودند. از کارمندان هم می‌خواهم به آقای ارض‌پیما در آموزش اشاره کنم، ایشان یکی از

افرادی هستند که کیان آموزشی دانشگاه را با ریزینی، دقت و کنترل، حفظ می کنند. یکی از خاطرات خوب من هم این است (البته خودم از افرادی هستم که زمانی که دانشجویان برای فارغ التحصیلی برای تطبیق مدارک و دروسشان پیش من می آیند معمولاً اینها را یک به یک کنترل می کنم)، اما یک بار مشکلی در کارنامه‌ی فارغ التحصیلی دانشجویی بود که تأیید رئیس دانشکده، معاون آموزشی و استاد راهنما را گرفته بود رفته بود در آموزش دانشگاه فارغ التحصیل بشود، آقای ارضیما اشکال پرونده و کارنامه‌ی او را پیدا کرده به من تلفن کردند و اطلاع دادند که ما اصلاح کنیم و من از این دقت بسیار لذت بردم و خوشنود شدم.

از دکتر مجتهدی هم خاطره‌ی کوچکی دارم. حدود ۳۵ سال پیش که در دبیرستان البرز دانش آموز بودیم، آقای دکتر ساعت ۶ صبح می آمدند، دور حوض دبیرستان قدم می زدند و افراد را کنترل می کردند. ۳۰-۳۵ سال پیش، کاپشن، اورکت سربازی تازه به بازار آمده بود و در آن زمان خیلی زیبا و شاخص محسوب می شد. یکی از دانش آموزان وارد حیاط شد و روی بازویش یک پرچم سه رنگ زرد، قرمز و مشکی بود، دکتر جلوی آن دانش آموز را گرفت و با لهجه‌ی شیرین گیلکی گفت: «چرا پرچم بلژیک را زدی روی لباس، پرچم ایران را بزن روی بازویت» و این برایم بسیار جالب بود.

به یک نکته دیگر از ایشان اشاره می کنم و آن این که دانشگاه ما تنها دانشگاهی است که دفتر رئیس آن جلوی در ورودی است، این سلیقه دکتر مجتهدی بود. شما هر جایی مراجعه کنید، دفتر رئیس دانشگاه مثلاً در طبقه هفتم یک ساختمان هفت طبقه است که کسی او را به سادگی نبیند ولی ایشان دوست داشت هر جا که هست در ورودی را ببیند. یکی از اساتید تعریف می کرد می گفت که دکتر همیشه تأکید داشت افراد باید ساعت هشت سر کارشان باشند؛ این استاد یک روز ساعت یک ربع به هشت وارد دانشگاه می شود، دکتر مجتهدی جلوی او را می گیرد و می گوید که آقا چرا دیر کردی؟ این استاد جواب می دهد دیر نیامده‌ام، هنوز که ساعت هشت نشده و دکتر مجتهدی می گوید هشت یعنی هفت و نیم. این مسأله را با الآن مقایسه کنید.

## زمانی که شما به دانشگاه آمدید مقارن با ریاست دکتر انواری بود؟

بله، بعد از انقلاب بعد از آن دوره گذرای که دانشگاه داشت تقریباً سال ۱۳۶۱ به بعد فکر کنم دو دوره آقایان دکتر انواری و دکتر صالحی بودند که جابجا شدند و بعد از آن هم مدت کوتاهی دکتر اعتمادی این مسؤولیت را بر عهده داشتند.

## به نظر شما کدام یک از رؤسا در زمینه مدیریت دانشگاه موفق تر بودند؟

این از آن سؤال‌های بسیار مشکل است. برای این که عدالت را رعایت کنیم، از اظهار نظر درباره ریاست فعلی دانشگاه صرف نظر می‌کنیم و آن را به آینده موکول می‌نمایم تا دوره ایشان تمام شود، به قول معروف می‌گویند تاریخ راجع به افراد قضاوت کند. اما هر کسی که رئیس دانشگاه می‌شود به علت قلت منابع و کثرت مسائل تحت فشار زیادی قرار می‌گیرد و کار مشکل و طاقت‌فرسایی بر عهده دارد. بنابراین از یک وجه باید از تمام مدیران و رؤسا خصوصاً آنان که بعد از انقلاب خدمت کردند، ممنون بود و اذعان کرد که همه ایشان شایسته و خوب بودند. ضمن احترام به همه و سپاس‌گزاری از زحمات همه، به نظرم آقای دکتر علی‌اکبر صالحی یکی از رؤسای خوب بود، به چند دلیل که یکی از آن‌ها حسن خلق و حسن سلوک ایشان با همه بود و دیگری دلسوزی و حساسیت ایشان نسبت به مسائل دانشگاه. من به خاطر دارم زمانی که تعدادی از دانشجویان به خاطر یک سری مسائل جو متشنجی را ایجاد کرده بودند، دکتر صالحی به میان آن جمعیت بزرگ دانشجویان که ممکن بود هر لحظه هر کاری بکنند، آمد و با شور و حرارت عجیبی به مسائل و سخنان آنان پاسخ داد؛ بنابراین ضمن دارا بودن حسن سلوک و رفتار، فردی دلسوز و در زمینه حرفه‌ای خود استوار بود. ضمناً ایشان خیلی از کارهای عمرانی دانشگاه را بعد از یک دوره رکود شروع کرد. در دوره ایشان جذب استادان، خوب و زیاد بود و به نظرم بهترین معاون آموزشی سال‌های اخیر آقای دکتر اعتمادی بود که این مسؤولیت را در زمان دکتر صالحی بر عهده داشت. ضمن این که همه بزرگواران امتیازات زیادی داشتند، در خصوص امتیازات رئیس فعلی هم الآن صحبت نمی‌کنیم تا آینده در این زمینه بحث مستوفایی بشود.



## **در مورد دانشکده مهندسی برق، روند توسعه و فعالیت‌های آن از قبل تا کنون صحبت می‌فرمایید؟**

دانشکده مهندسی برق از سال ۱۳۴۵ عملاً راه‌اندازی شد و از حدود سال تحصیلی ۱۳۴۹ الی ۱۳۵۰ در ساختمان فعلی استقرار یافت، تا آنجایی که بنده می‌دانم آقای دکتر عباس چمران به عنوان رئیس دانشکده از نخستین کسانی بودند که توسعه کمی و کیفی دانشکده را مد نظر قرار دادند.

دانشکده مهندسی برق از سال ۱۳۵۵ دوره فوق‌لیسانس را راه‌اندازی نمود. از سال ۱۳۶۳ دوره‌های کارشناسی ارشد مهندسی برق الکترونیک و مهندسی برق قدرت نیز راه‌اندازی شد. از سال ۱۳۶۵ به تدریج دوره‌های کارشناسی ارشد مخابرات، کنترل و مهندسی پزشکی نیز تأسیس شدند و از سال ۱۳۶۹ دوره دکترای مهندسی برق در این دانشکده راه‌اندازی شد. با توجه به افزایش دوره‌ها و محدودیت فضا، دانشکده از سال ۱۳۷۲ نسبت به توسعه فیزیکی خود اهتمام ورزید که نتیجتاً طرح توسعه‌ای به وسعت ۱۰ هزار مترمربع در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تصویب شد. از سال ۱۳۷۸ با کمک وزارت نیرو و سازمان توانیر، طرح توسعه دانشکده مهندسی برق در ضلع شرقی آن به وسعت ۶۳۰ مترمربع آغاز و در سال ۱۳۸۱ به پایان رسید. اکنون با تأسیس دوره‌های جدید مانند کارشناسی ارشد مخابرات، میکروویو نوری، الکترونیک دیجیتال، مخابرات رمز، الکترونیک مدارهای مجتمع، ادوات میکروالکترونیک، سیستم‌های انرژی، ماشین‌های الکتریکی و الکترونیک قدرت مجدداً کمبود فضا در دانشکده احساس می‌شود که امیدواریم با طرح توسعه آتی دانشکده این کمبودها برطرف شود.

## **جامعه اسلامی استادان در این دانشگاه در چه موقعیتی قرار دارد و نقش شما در آن چیست؟**

بنده یکی از دبیران جامعه اسلامی استادان این دانشگاه هستم، البته دبیر ما جناب آقای دکتر عباس انواری می‌باشند. جامعه اسلامی استادان دانشگاه شریف به نوبه خود تلاش نموده که در فعالیت‌های

اجتماعی، صنفی و سیاسی اساتید طریق اعتدال را پیشه سازد و به تلطیف محیط ارتباطی میان استادان  
پردازد.